

آیت الله هادوی تهرانی با اشاره به اینکه غزالی در کتاب احیاء علوم الدین به مفاد نظریه ولایت فقیه اشاره می کند، گفت: بحث ولایت فقیه یک بحث اسلامی است نه یک بحث شیعی و علمای سنی به دلیل حکومتی بودنشان و توجیه گر شرایط حکومت بودن کمتر این بحث را توانستند مطرح کنند.

وی تأکید کرد: وقتی درست دین را فهمید بصیرت پیدا کند و بتواند بفهمد که دقیقاً کجا را باید حفظ کرد، چه چیزی مهم است، چه چیزی کم‌فصل، چه چیزی بیش‌فصل. در روایات آمده است؛ **فَصَلَ الْفَقِيهَ عَلَى الْعَايِدِ كَفَضَلَ الشَّمْسِ عَلَى الْكَوَاكِبِ** این در اینجا آمده که با توجه به صدرش معلوم می‌شود مقصود از فقیه حالا فقیه اصطلاحی نیست که برخی این روایت را بر او تطبیق کردند، یعنی کسی که فهم دین دارد فهمی که منجر به بصیرت می‌شود یا به تعبیری بصیرت در دین دارد فضیلتش از کسی که عابد هست و عبادت می‌کند مثل فضیلت خورشید به سایر ستارگان است. این روشن می‌کند خودش راه را می‌تواند پیدا بکند و برای دیگران هم می‌تواند روشن کند و آن آدم اگر خیلی هم نوری داشته باشد برای خودش نور دارد، **وَمَنْ**

رئیس مؤسسه رواق حکمت یادآور شد: کسی که در دین خودش تفقه نکند به این بصیرتی که اشاره شد نرسد، خدا عملی برای او پاک قرار نمی دهد. یعنی بالاخره کارهایش درست در نمی آیند. کاری که از شائبه باشد تحقق پیدا نمی کند. چون فهم درستی از دین ندارد نمی داند کجا واقعا دین است و کجا واقعا باید صیانت بشود.

وی یادآور شد: روز 9 دی اتفاقی که افتاد این بود که مردم در یک حرکتی که حرکت خود جوشی بود در دفاع و صیانت از ارزشهای دینی، هنجارها و مفاهیم دینی و دفاع از ساحت مقدس امام حسین (ع) و آن بی احترامی که به آن ساحت شده بود به میدان آمده بود.

مدرس عالی حوزه علمیه قم افزود: بحث ولایت بحثی نیست که به این جناح و آن جناح ارتباط داشته باشد و اساس انقلاب اسلامی ولایت فقیه است. اساس این انقلاب ولایت است و اگر این اساس به هر دلیلی تضعیف بشود و هر دلیلی مورد تعرض قرار بگیرد اصل انقلاب و اصل ارزشهای نظام مورد تعرض واقع می شود.

آیت الله هادوی تصریح کرد: چون معتقدیم که ولایت فقیه امتداد ولایت معصومین (ع) است و در زمان غیبت این ولایت به فقها سپرده شده و اگر این عمود تضعیف بشود کل خیمه انقلاب و کل ارزشهای انقلاب با بحران مواجه می شود. بعد از حوادثی که بعد از بیداری اسلامی اتفاق افتاده یک احساس عمومی در همه مسلمان ها وجود دارد که ما نیازمند رهبری واحدیم، و برای این رهبری واحد ما باید یک نظریه ای را ارائه بکنیم برای حکومت جهانی و آن نظریه ارائه شده براساس معیار ولایت فقیه است.

وی افزود: 15 یا 16 سال قبل در جمع علمای اهل سنت اشاره کردم که درست است که اصطلاح ولایت فقیه یک اصطلاح شیعی است، این اصطلاح در ادبیات فقهی سنی نیست و این اصطلاح هم در شیعه جزو اصطلاح های متأخر است این اصطلاح در آثار قدما به این تعبیر نیست اما مضمون ولایت فقیه در شیعه که از گذشته بوده است. در کتاب مقنعه شیخ مفید (رضی الله عنه) که قدیمی ترین کتاب فقهی و مفصلی است که به ما رسیده بحث ولایت فقیه در چند جا مختلف مطرح شده که بعضی از موارد آن را در کتاب ولایت و دیانت ذکر کردم که به صراحت ایشان بحث ولایت فقیه را مطرح می کند.

وی یادآور شد: غزالی در کتاب احیاء علوم الدین به مفاد نظریه ولایت فقیه اشاره می کند. وی راجع به ضرورت حکومت، می گوید حکومت ضرورت دارد چون آدم ها به حقوق خودشان قانع نیستند و به حق دیگران تجاوز می کنند. بعد می گوید برای اینکه این آدم ها حقوق خودشان را از حدش تجاوز نکند و در حد حقوق خودشان بمانند «لا بد من سلطان» به سلطان نیاز است. بعد می گوید سلطان برای اینکه بتواند جامعه را اداره بکند «لا بد من قانون» یک قانون نیاز دارد و قانون اش همان شریعت است. بعد می گوید سلطان برای اینکه بتواند این قانون را تطبیق بکند «لا بد من مرشد» می گوید «مرشد السلطان و معلم السلطان هو الفقیه»، یعنی حالا آن کسی که مرشد سلطان است و هدایتگر سلطان است و معلم سلطان است و آن کسی هست که هدایت می کند که می گوید چکار باید بکند و آن شخص فقیه است.

مدرس عالی حوزه علمیه قم تأکید کرد: در واقع سلطان در اصطلاح غزالی چیزی بیش از یک قوه مجریه نیست که در واقع تحت ولایت فقیه قرار دارد، مرشدش و معلمش فقیه است، اوست که باید هدایت بکند حتی همین سلطان را. بنابراین بحث ولایت فقیه یک بحث اسلامی است نه یک بحث شیعی، درست است اصطلاح اش در شیعه مطرح شده، علمای شیعه بیشتر به این بحث توجه کردند، علمای سنی به دلیل حکومتی بودنشان و توجه گر شرایط حکومت بودن کمتر این بحث را توانستند مطرح کنند.

هادوی تهرانی تصریح کرد: غزالی جرأت نکرده به صراحت این بحث را بگوید که سلطان ریاستی که تحت آن ریاست باید عمل کند فقیه است. تعبیر مرشد و معلم و اینها را به کار برده که او را درگیر با سلطان زمان نکند. در واقع نوعی تقیه کرده والا این ایده، همان ایده ولایت فقیه است و این ایده که توسط شیعه تبیین بهتری شده و بعد مصطلح ولایت فقیه توسط شیعه در دو سه قرن اخیر مطرح شده است و این اساس حکومت اسلامی است.

وی افزود: یعنی امروز اگر هر کسی بخواهد نظریه ای برای حکومت اسلامی در نظر بگیرد، هر چه بگردد در منابع، چه شیعه چه سنی، جز این نخواهد یافت که بالاخره حکومتی است که بر اساس ارزش ها، معیارها و مفاهیم اسلامی است و حاکم این حکومت، آن کسی که سر رشته امور باید به دستش باشد، باید نسبت به این مفاهیم و ارزش ها اطلاع عمیق و دقیق اجتهادی داشته باشد که همان فقیه است.

مدرس عالی حوزه علمیه قم تصریح کرد: قطعاً خود فقیه باید ملتزم به این شرایط باشد؛ خودش ملتزم به شریعت باشد، یعنی عادل است و بتواند این مفاهیم را در آن جامعه ای که هست تطبیق بکند. یعنی با کفایت است، که اینها سه شرط ولی فقیه است: فقاقت،

عدالت و کفایت. با این سه شرط در واقع تحقق عینی ارزش ها و مفاهیم اسلامی امکانش در شرایطی که معصوم در اختیار ما نباشد پیدا می شود.

وی تأکید کرد: چه ما مثل شیعه قائل به وجود معصوم باشیم و چه مثل اهل سنت قائل نباشیم در هر حال در زمانی که معصوم در اختیار ما نیست بهترین گزینه ای که ما داریم و ادله مختلف عقلی و نقلی بر آن دلالت می کند، این است که زمام امر به دست یک فقیه عادل با کفایت باشد.

هادوی تهرانی در پایان تصریح کرد: روز 9 دی در واقع مردم پای بندی خودشان را به این مفاهیم کلی، به این ارزش های انقلاب نشان دادند. اختلاف نظر در دایره ارزش ها و مفاهیم انقلاب مشکلی ندارد، بالاخره دیدگاه ها متفاوت است، قرار نیست همه یک جور فکر کنند، همه یک جور تصمیم بگیرند، اما نسبت به خطوط اصلی انقلاب اگر تعرضی صورت بگیرد قطعاً مورد پذیرش مردم ما نخواهد بود و با انکار عمومی مواجه می شود، همچنان که روز 9 دی مردم این را بار دیگر در صحنه انقلاب اسلامی که مکرر این را نشان دادند، بار دیگر نشان دادند.